PROPERTY OF ACKU

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (ششم) ۲۹ حمل ۱۳۴۷ هـ ۱۸ اپریل ۱۹۶۸ ع

راه غیرسرمایه‌داری

راهیست بسوی آزادی وخوشبختی خلقها

پیروزی عظیم جنبش آزاد یبخش‌ملی و پیدایش دو لتهای جدیدیکه به استقلال سیاسی‌نایل گردیده‌اند، سیمای جهان استعماری را دگرگون ساخت. جهان درمرحله نوین‌وعالیتر انقلابهای خروشان رهائی بخش ملی گام نهاد وامکاناتی بوجود آمد کـه این جریانها عمیقاً به انقلابهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایـه داری جهانی بدل گردند . هدف این موج نیرومند جنبش انقلابـی ، استقلال اقتصادی وترقی اجتماعی است .

انتخاب راه رشد غیرسرمایه‌داری از طرف یك سلسله از کشور های مستقل نو بنیاد آسیائی وافریقائی، یکی ازحوادث مهم‌این‌جریان انقلابی جهانی را تشکیل میدهد. اتخاذ این‌راه رشد در دوران کنونی جنبش‌ـ آزادیبخش ملـی ناشی از ضرورت عینی ایست‌که با او ضاع و احوال داخلی و بین‌المللی این کشور هـا ارتباط دارد .

مبارزه نجات بخش ملی به پیش میرود :

تنها بـااحراز استقلال سیاسی، مبارزه نجا ت بخش ملـی بپایـان نمیرسد. کشور های مستقل‌نوبنیاد باتشکـیل دولت های ملی، بـرای استقلال اقتصادی وتقویت استقلال سیاسی، د لیرانه و پیگـیر مبارزه میکنند.

خلقهای کشور های که در ظاهر امر مستقل انـد ولـی عملا در قید وا بستـگـی سیـاسی و اقتصادی انحصارات سر ما یه داری بیـگانه بسر میبر نـد ، بـه مبارزه علیـه امپریالیسم و رژیم ها ی ارتجاعـی هوا دار آن بپا خاسته اند .

نیرومندی روزافزون سوسیالیسم وضعف امپریالیسم به مقیاس‌جهانی به خلقها ی کشور های آسیا ئـی افریقایی و امریـکای لاتین امکانات وسیعی را میسر میسازد تابه تجدید حیات ملی خود بپردازند وبه فقـر وعقب ماندگی دیرینه پایان بخشند وبه استقلال اقتصادی نایل آینـد. ولی شرط اساسی نیل به استقلال اقتصادی، عبارت از مبارزه پیگیـر علیه امپریـالیسم و سرمایه داری جهانی است . چـه امپر یا لیسـم باشیوه‌ها و اشکال نوین استعماری کو شش میکند تا مستعمرات سابق وکشور های نیمه مستعمره را درقید سیستم اقتصاد سرمایه داری جهانی نگهدارد .

عمده ترین شیوه و شکـل نوین استعمار، توطئه ونقب‌گذاری‌وتعرض امپریـالیستها در عـرصه اقتصادی است. امپریالیستها به بهانه «کمك» به کشور های کم رشد آسیاوافریقا تشویق راه رشدسرمایه داری، تقویه

(ص۲)

در کشورهای کمرشد سکتور

دولتی‌اقتصادخصلت آشکارضدامپریالستی‌دارد

دشوار تـر ین و پیچیده تـر یـن وظائفی که دربرابر ملل کشور های کم‌رشد قراردارد‌وظائف چندین‌جانبه اقتصادی واز آنجمله تقویه وتکامل سکتور دولتـی اقتصاد است کـه خصلت ضد امپـر یـالیستی دارد. بعضیها سکـتور دولتی اقتصاد را در کشور هـای کـم رشد غا لبـاً سرمایه داری دولتی یا «سرمایه‌داری بیروکرات ... (!) » تعریف میکنند. چنین تعریفی برای دوران تکامـل وغیر سرمایه داری بسیار کلی‌ومبهم است. معهذا اگر اصطلاح سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) دولتی‌را نیز بکاربریم، بازهم درینجا تذکر این‌نکته ضروری است کـه سرمـایه داری دو لتـی در کـشور هـای د ر حـال رشد، بـا سرمایه داری انحصاری دولتی در کشور های امپریالیستی تفاوت دارد . در کشور هـای کـم رشد، سرمایه داری دولتی وشکل نخستین وعمده آن‌یعنی سکتور دولتی‌اقتصاد هم وسیله مبارزه با انحصار هـای امپر یـالیستی و اقتصاد استعماری دریـن کشور ها ست و هم وسیله رشد سریع اقتصاد ملی وپیشروی در راه استقلال اقتصادی. بخصوص در کشورهائیکه مناسبات سرمایه ـ داری در آنها قوام نـگرفته است، امکانـات وسیعی و جود دارد کـه از سکتور دولتی به نفع مردم وبرای ایجاد بنیاد اقتصادی استقلا ل ملی و دمـوکـراسی سیا سی استفاده بعمل آید .

باید خاطر نشان کرد که دریـن کشورها سکتور دولتی اقتصادهنوز سوسیالیستی‌نیست، ولی‌سرمایه ـ داری هم بوده نمیتواند، یعنی‌خصلت انتقالی دارد و امـکاناتی را بوجود میآوردکه بدون‌طی مرحله سرمایه ـ داری پایه های مادی وفنی نظام‌نوین اجتماعی ایجاد میشود .

این حرف درست است که اغلب کشور ها ی نـو استقلا ل آسیائی وافریقائی به خطر جدیدی مواجـه استند، موضوع بحث ما بورژوازی بیروکراتیك یا به اصطلاح « مـلاك بیروکرات وتاجربیروکرات» است‌که بااختلاس ورشوه ستانی کیسه های خودرا پر میکنند ، پیـکر اقتصادی اینکشور هارا ضعیف تر میسازند، پول های فـراوان را بخارج انتقال میدهند ومنافع خودرا باامپریالیسم درمیآمیزند. بـورژوازی رشوه ده، با رخنه کـردن در دستگـاه دولتی و در سازمـانهای اقتصادی چـون «خفاش خون آشامی شیره‌حیاتی‌پیکر جوانی راکه هنوز قوام نیافته است، میمکد.» مرتجعین میخواهند همیشه سکتور دولتی را در برابر سکـتور خصوصی بی‌اعتبار سازند وقسمتی ازآنرا دستبردزنند، حاصلدهی‌کاررا پائین آورند وکارگران را تحت‌فشار قراردهندوکیفیت‌وکمیت محصولات‌را خرابتر سازند و سپس آنرا برپایه اقتصاد سرمایه داری تغییر ما هیت دهنـد . بدینترتیب رشد وتـکامل اقتصاد وجنبش ضد امپریالیستی‌را دچار وقفه نمایند .

ارتجاع بازرنگی و مهارت تمـام باتبلیغات تیپ بورژوائی سعی‌میکند که ازینوضع ، سوء استفاده نموده واز طر یق نمایندگـان خـود اعلام داردکه سکتور دولتی‌برای‌رشدسریع اقتصاد نمیتواند سرمشق و نمونـه باشد. بنابه ادعای مرتجعین و عمال استعمار نوین «سکتور دولتی‌اقتصاد بیشتر مظهر اسراف وتبذ یر و بی ثمری اقتصادیست» و گویا موجب بیـکاری و علت اصلی فقر وجهـل وبیماری میگرددوتقویه سکتوردولتی اقتصاد وابستگی مارا به امپریالیسم ... بار میآورد .

از آنجا ئیـکه سکـتور دو لتـی درکشور های کـم رشد ماهیت ضد امپریالیستی وضد فئودالـی دارد ، امپریالیسم و محافل ارتجاعی تلاش مینمایند که آنرا بی‌اعتبار سازنـد. بنابران «مبارزه درراه تقویت‌وتکامل سکتور دو لتی یـکی از مهمترین وظایف ... نیروهای مترقی است‌که درراه دموکراسی‌ملی مبارزه‌میکنند». باید تذکـر دادکـه حتی در یکعده از کشور های آسیائی وافریقائـی (جمهوریت متحد عربـی، سوریه ، الجزایر، مالی، گـینی ، برما) کـه د موکـراسی ملی هنوز به پیروزی نرسیده، اما سکتور دولتی خصلت آشکار ضد امپر یـالیستی خود را نشان داده است و سکتور دولتـی

(ص۳)

امنیت‌عامه وطبقات‌حاکمه

محافل‌حاکمهٔ ارتجاعی،غالباًمفهوم«امنیت عامه» را وقتی عنوان کرده‌اند که منافع طبقاتی شان در خطرافتاده‌است وبا استفاده ازاین سلاح‌آماده، جلو هرگونه نهضت وجنبش‌رابرای‌حفظ مواضع ستمگرانه وبقای تسلط خویش، سد نموده اند .

مثلا هرگاه فردی ویا گروهی ازعناصر وطن‌پرست، بخاطر تأ مـین آزادیهای‌دموکراتیك‌وحفظ حقوق‌مردم‌علیه بیداد گری‌ها وستم های‌بیشمار طبقات حاکـمه بپاخـاسته وبمبارزه‌پرداخته‌اند، فوراً سرپنجهٔ امنیت ـ عامه(!) گریبان‌شانرا گرفته‌ورهسپارشکنجه گاها گردیده اند .

همچنان‌اعمال ضدقانونی‌مانندقیودات دربرابر آزادی فکروبیان واجتماعات جـزا های مخالف کرامت انسانی،مجا زات بـدون محا کمه عـلنی و حضوری، توقیف های خلاف‌قانون،تعذیب های تحمل شکن، تعقیب ها، تعرضات‌به مسکن اشخاص، تجاوزبه‌آزادی ومحرمیت مخابرات مردم،ظلم وستمگری متنفذین‌ومستبدین محلی،رشوه ستانی ماموران‌بی رحم، قتل‌و تجاوز، سوزاندن دهقانان بی دفاع،دزدی وسرقت، کار های اجبا ری ، تحمیق واستثمـار مـادی ومـعنوی‌زحمـتکشان بـه اشکـال مـختلف سالهاست که خلقهای کشور را درمـنجـلا ب و ضـع ر قـت با ر ی نگهداشته است .

کـا فیسـتا گـفته شـو د«ضبط احوا لات» وسا یر دستگاههای استخباراتی وجاسوسی فعال‌مایشاءکشور عمر ها ست چون هیو لا ی وحشتناکی بر زند گی خلقها ی ماسایه افکنده وعمال آنها چون شبح هراس انگیزی به تعقیب عناصر ملی‌ووطنپرست می پردازند وبر ضـد ابتدا ئی ترین حقوق وآزادیهای مردم عمل می نمایند و بالای توده هـای وسیع زحمتکشان دردهات وشهرهاستم‌ها ومصائب‌غم انگیزی راتحمیل میکنند .

این وقایع، هرروز در کشو ری‌اتفاق می افتد که محافل حا کمـه سیاسی‌آن، سالهاست‌داد ازامن عامه‌و« کر ا مت بشـر ی » میز نـند در حالیکه امنیت وکرامت تنهابرای‌متنفذین‌ومستبدین وجوددارد، نه‌برای

«ص۲»

از «ص اول»

راه‌غیرسرمایه‌داری ...

سکتور خصو صی اقتصاد و صدور سرمایه انحصارات خارجی و تشکیل شرکت هـای مختلط و همـچنـان از طریق تخریب وتبلیغات سست ـ بنیاد و واهـی علیـه راه رشد غیر سرمایه داری ، علیه سکتور دولتی اقتصاد ، علیه پلان گـذاری دولتی میخواهد مواضع سا بق ار تجاعـی خودرا در این کشور هـا استحکام بخشند و مواضع جـدیـدی بدست آورند، تـکیه گـاه اجتماعی خود را توسعه دهند وبه اصطلاح‌بورژوازی ملی و «تاجران ملی» را بسوی خود جلب کنند . دریـن مـرحله جنبش آزاد یبخش ملی، محافل ارتجاعـی فئودالی و طبقات ستمـگر داخلـی به مثابه پایگاهی عمده، نقش متحد امپریالیسم را ایفا میکنند .

این نیرو های‌سیاه داخلی‌وخارجی میکوشند کـه جنبش آزادیبخش را درنیمه راه نیل به استقلال‌اقتصادی متوقف سازنـد و آزادی اقتصادی کشور های کـم رشد را در سایـه نگاهدارند.

پس سوال در اینجاست که علم مخـالفت را عـلیه بسط و توسعـه مواصلات ومخابـرات ، زیر سازی اقتصادی ، سروی منا بـع طبیعی، افزایش تولید انرژی، برق، ذغال ، گاز وغیره برافراشتن، عملا قـرار گرفتن در موضع مدافعین استعمار ـ نوین نیست؟ واقعاً قرینه سازی‌های نادرست چطو ر انسان را بگمراهی سوق میدهد ... (!)

به هرحال یکی از مسایل‌اساسی که دربرابر خلقهای‌کشورهای کم ـ رشد قرار میگیرد اینست که ایـن کشور ها برای تأمین استقلال کامل ملی ورشد اقتصادی چـه راهی را بایدبه پیمایند.راه رشد سرمایه‌داری یاغیر سرمایه داری؟

راه رشد سرمایه داری :

راه رشد سرمایه داری بمثل این کشور ها چه میدهد؟ «سرمایه داری راهی پرازرنج ودردبرای خلقهاست، سرما یه داری نمیتوانـد پیشرفت سریع اقتصاد را تأمین کند و فقـر وگرسنگی را ازمیان بردارد. درنظام سرمایه داری نا برابری اجتماعـی تشدید میگردد. تکامل سرمایه‌داری درده دهقانان را بیش ازپیش به فقر وگرسنگی وخانه خرابـی میکشاند. سرنوشت کارگران یا کار توانفرسا برای افزایش قدرت سر مایه داران خواهد بود ویا پیوستن به صفوف لشکرسیاه روز بیکاران. بورژوازی کوچك در رقابت با سرمایه بزرگ بسراشیب ور شکستگی درخواهـد غلتید. توده ها از نعمت فرهنـگ وتحصیل همچنان‌محروم‌خواهندماند. روشنفـکران مجبو ر خـواهند شد استعدادوقریحه های‌خودرابه معرض فروش بگذارند ...»

همچنان نکتهٔ مهم اینست که راه رشد سرمایه داری مسأله اساسی کشور های‌کم رشدراکه هماناجبران عقب ماندگی نسبت به کشور های پیشرفته است حل نمیکند. شکاف عمیقی میان کشور های کـم رشد وکشور های پیشرفته وجود داردکه بورژوازی ملی ویا «تاجران ملـی» ناتوان این کشور ها قادر نیستند راهیٔ راکه کشورهای صنعتی‌درطول دوتاسه قرن طی کرده اند، در مدت کوتاهی بپیمایند. توده های مردم‌نیز حاضر نیستند که صدها سال برای بهبود وضع زندگی مادی وفرهنگی خود انتظار بکشند .

پس سوال اساسی در اینجاست که چه باید کرد وکدام راه رشد را انتخاب نمود؟ برای پاسخ باین‌سوال ببینیم که راه رشد غیر سرمایه‌داری و رسیدن بـه «هدف غائـی» برای خلقها چه ارمغان میآورد ؟

راه رشد غیر سرمایه داری :

راه رشد غیـر سرمایـه داری، دروجود شکل دولت دموکراسی‌ملی، راهیست که درمرحله کنونی جنبش آزادیبخش ملی بقایای استعمار را ازکشور های کم‌رشد محو میسازد، تسلط امپریالیسم را ریشه‌کن‌میکند، انحصار های سرمایه داری را طـرد می‌نماید، صنایع ملی‌رااحداث میکند، نظامات و بقایای فئودالـی را ملغی میسازد، اصلاحات اساسی ارضی‌را بشرکت‌همهٔ دهقانان وبنفع دهقانان انجام میدهد، ترقی اجتماعی راتأمین میکند وسر انجام امکانات ساختمان مبنای مادی وفرهنگی انتقال‌به‌مرحله سوسیالیسم یعنی « هدف غائی» را تـد ا ر ك میـبـیـنـد و د ر یـن مر حله (هـد ف غا ئـی) است که راه خلقها بسوی آزادی وخوشبختی باز میگردد. دیگر این راه، راهـی است‌که «اعتلاسریع اقتصادوفرهنگ را تـأمین میـکـنـد ، کشور عـقـب مانده یی‌را ، نه درطول قرنها بلکه درطول زندگـی یك نسل، بکشور صنعتـی مـبدل میساز د . اقتصاد سوسیالستی که از روی پلان انجام میگیرد، بنابر سرشت خود اقتصاد اعتلا وشگفتگی است. محو استثمار انسان از انسان، بـه نـا بـرابری اجتماعی پایان می‌بخشد ، بیـکاری بطور کامل در جامعه از بین میرود، ...کلیه دهقانان‌را ازلحاظ زمین‌تأمین میکند، درتوسعه اقتصادبه آنهاکمك میرسناند، آنهارا بر اساس داوطلبی درکئوپراتیف ها متحد میکند، فـن زراعت مترقی‌وعلم‌زراعت رادراختیار آنان‌میگذارد، کاردهقانان ثمربخش‌تر میـگردد و زمین حـا صل بیشتری مید هد ... سطح زند گـی مـادی و فرهنـگی طبقه کـارگـر و تمام ز حمتکشان را به سطح عالی ارتقا میدهد ... توده‌های مردم راازنادانی وجهـالت بیرون میـکشد و آنهارا بـافرهنـگ معاصر آشنا میسازد. دربرابر روشنفکران‌افق وسیعی‌برای کار خلاق بنفع خلق پدید میگردد.»

این امر که مستعمرات سابق که اکنون دارای استقلال سیا سی اند ازاین دوراه رشدکدام راه را انتخاب کنند، منوط است به چگونگی‌تناسب قوای طبقاتی درین کشورها .

« راه تـکامل غیر سرمایه داری درنتیجه مبارزه‌طبقه‌کارگر، توده‌های مردم وجنبش د موکراتیك همگا نی تأمین میگردد وچنین راهی بامنافع اکثریت ملت مطابقت دارد» .

تصریح این امر ضروریست کـه تعقیب پـاره یی از هد فها ومقاصد درزمینه راه رشد غیر سرمایه داری بعنـوان «سو سیالیسم» در بعضی از کشور هـای کم ر شد آسیائـی وافریقایی از سوسیالیسم علمی‌بدور میباشد، ولی آنچه مهم است اینست که این جریانـات و نظرات درآتش پیکا ر خونین بـا امپریالیسم پدید گشته و محتوی دموکراتیك همگانی «ضد امپریالیستی نوع جدیدمیباشد که هدفش‌محو تمام‌بقایای فئودالیسم و مناسبات طـائفـه ای وقبیله ای است» .

روی این حقایق امپریالیسم‌وعمال سیاه وزرنگ استعمار نوین پیوسته دشمن تعقیب‌راه رشدغیر سرمایه ـ داری درکشور های کم رشد آسیائی وافریقایی بوده وسعی میکنند کـه از بسط وتوسعه آن بجهت هـدف غائی جلوگیری نمایند .

درخاتمهٔ این نظر اجمالی وفشرده بردو راه رشد، خاطر نشان میگردد که راه غیرسرمایه داری ازنظرمفهوم تاریخی خود، جریانیست انقلابی که بنابر تغییر درشرایط معاصر جهان امکاناتی برای‌یك سلسله کشورهای نوبنیاد بوجود آورده است، که‌بدون طی مرحله سرمایه داری و یابدون طی مرحله سرمایه داری قوام یافتهٔ صنعتی، به «هدف غائی» انتقال‌کند. به‌این‌معنی‌که‌راه‌رشدغیر سرمایه‌داری در دوران کـنو نـی جنبش هـای آزادیبخش ملی «درحدود معین همان نقش تاریخی‌رابازی میکندکه بروفق قوانین تـکا مل اجتما عی میبایست سرمایه داری ایفا نماید. ولی ایـن وظیفه‌درجریان‌تکامل غیرسرمایه‌داری

(ص ۳)

از «ص اول»

امنیت‌عامه...

توده های محروم وستمکش .

در طول تاریخ کشور، پیو سته لبهٔ تیغ حامیان به‌اصطلاح«امن‌عامه» باحدت وفشار هرچه بیشتر، عـلیه خلق زحمتکش بخصوص علیه آن‌عده از همو طنان شریف، مبارزان را ه آزادی، دموکراسی واستقلال ملـی افغانستان بکار افتاده، که در جهت ضد منافـع طبـقات حاکمـه قـرار گر فته اند .

تاریخ مبارزات ملی ما مشحون‌از قربانیها ویاد کار های شهدای راه آزادی است، کـه نیرو های سیاه استبداد و استعمار آنانر. بیرحمانه قـربان خـود سری ها، هو سها ی شخصی ومنافع طبقاتی خود کرده‌اند حـا لا نـکه با ر ها بـملا حـظه رسیده است کـه محافل حا کـمه سیاسی کشور از جنایت کا را ن،از گـروه‌های ظالم وستمگر شهری و محلی، ازطبقات حاکمه از تجـاعی، از ملاکین فئودال استثمار گر دهات که حتی دهقانان شریف وزحمتکش کشور را زنده میسوزانند،خصومتی نمیگیر ند .

مرتجعین ومستبدین کشورهمیشه از وجود آن نیرو های وطـنپرست وترقی خواه در تشو یش میبا شند که‌آنها مصمم‌اندفساد، ظلم‌وستمگری واستثمار غیر انسانی را از کشور ریشه کن سازند وجـامعه مـرفه و مترقی‌نوین وواقعاًباامن رابنا نهند، زیراموجو دیت این نیروهای رزمنده ومبارز بقا ودوام استبداد، ار تجا ع امپر یالیزم، فئودالیزم ، استثمار ـ استعماری را در کشور مورد تهدید قرار مید هد .

مااین اتهامات بی پایه راکه گویا مبارزات عادلانه مردم درراه احیا ی حقوق شان مـوجب اخـلال امنیت میشـود ازریشه رد مـی نمائیم و معتقدیم که این منافـع ستمگرانـه طبقات حاکـمه ارتجاعـی، تـجاوز استبداد وارتجاع برآزادیها و حقوق مردم، فقر، مرض، جهل و بیکار ی وشیوه اداره استبدادی است کـه موجبات اخلال امنیت را فـراهـم میگردانـد وتااین عـوامل از طریق مبارزات دمو کراتیك طرد نـگردد، تأمین امنیت به شیوه عادلانه امکان نا پذیر خواهد بود .

(بارق شفیعی)

برو پیش برو به نیروی ایما ن ، به‌تلاش‌زانوان، به دوآرنج‌خراشیده
با سر انگشتان خونین
برو ، پیش برو، از یاد مبر ،باید بروی،بایدبرسی،ازافتادنت‌باك‌نیست
برو تادیگران بروند . تادیگران‌برسند
بزودی انسانهابحرکت آیند،آنگاه تویك تن نزار نیستی، هزار ها تنی،
ترا اگر درهم شکنند، انسانها راکی توان شکست ؟
شکست تو شکست نیست ، اما پیروزی تو بنیاد پیروزی انسانست
برو ، پیش برو ، ای مرد آینده! **(...)**

از «ص اول»

در کشورهای کمر شد....

در آنکشور ها بمثابه سلاحی بـرای تحکیم استقلال ملی وپایگاهی برای دستآورد های دموکـراتیك ، مورد استفاده خلقها ونیرو های ترقیخواه قرار میگیرد .

سکتور دولتی درافغانستان :

تـو ضیح همه جانبـه و علمـی اینموضوع را به آینده محول میکنیم زیرا این سوالها باید روی حقایـق وارقام روشن گرددکه : آیا دراقتصاد افغانستان سکتوردولتی تسلطدارد؟ آیا تقو یه سکتور دولتی بزرگترین ومؤثرترین عامل وابستگی اقتصادی با امپریـالیسم بشمار میـرود؟ آیا علت اصلی فقر ، بیـکاری، جهـل وبیماری ودشمن عمده سکتوردولتی است ؟ آیـا اقتصاد کـشو ر مـا «اقتصاد دولتی» آنهم بنام سکتور – دولتی مسما شده میتواند؟ و دهـا مطلب دیگر . معهذالك ارتجالا ارائه ارقام ذیل گویای این حقیقت است که تا کـنون سهم سکتور دولـتی درحجم کلی تولیدات‌ملی رقم‌ناچیزی‌را نشان میدهد :

ارزش حجم کلی تولیدات صنعتی بشمول تولیدات‌معدنی درسال۱۳٤۵ معادل ۷ر۱۲ ملیارد افغانی، ارزش تولیدات صنایع دستی دریـن سال ۹ ملیـارد افغانی و ارزش پیدا وار زراعتی ۳ر۳۷ ملیارد افغانی ، کـه مجموع ارزش حجم کلی تـو لیدات صنعتی وزراعتی درین سال۵۹ملیارد افغانی میشودکه ازین جمله طبـق سنجشهای‌تخمینی سهم‌سکتوردولتی اقتصاد در حدود ۳ ملیارد افغانـی میباشد .

هرگاه‌سهم‌سکتوردولتی اقتصادرا در قسمت تجارت نـا چیز خارجی و همچنـان در قسمت زیـر سازی اقتصادی (سرك و مخـابـرات کـه علی‌العموم درتمام کشور های جهان جزء وظایف‌عادی دولت بشمارمیرود وهیچ عقل سلیم اجازه نمیدهد کـه به سکتورخصوصی‌تحویل داده‌شود) خارج بحث بپنداریم ، ارقام بـا لا بـوضاحت نشان میدهد کـه سهم سکتور دولتی اقتصاد درحجم کلـی تولیدات‌ملی (آنهم درقسمت‌صنعتی) بیش ازپنج فیصد نمیباشد .

ارقام فوق‌نشان‌دهندهٔ این‌واقعیت نیز است که در شرایط موجود نظام اقتصادی – اجتماعی‌واوضاع‌سیاسی کشور، مناسبات فئودالی و تجاری بزرگ دلال وابسته به امپریالیسم تسلط کامل دارد، نه سکتور دولتی اقتصاد. بعبارت‌دیگرباید خاطرنشان ساخت که قسمت اعظم عوایدحاصله ازحجم کلی تولیدات ملی، به طبقه ملاکین بزرگ‌ارضی (ملاکین‌فئودال) ومتحدین وی یعنی‌قشر تجاربزرگ دلال و قشر بـورژ وا بیرو کـرات ونمایندگی های انحصارات بزرگـ سرما یه داری خارجی تعلق میگیرد تابه سکتور دولتی اقتصادوکارگران ودهقانان (مؤلدین واقعی) .

بهمین جهت بجرأت میتوان‌گفت که این ملاکین فئودال ومتحدین آن تجار وابسته به امپریالیسم ومحافل حاکمه سیاسی آ نست کـه بحیث دشمن عمده خلق وبحیث مانع عمده دربرابر رشد سریع اقتصاد کشور قرار دارد وبزرگترین ومؤثر تریـن عا ملیست کـه میخواهد وابستـگی اقتصاد کشورمارا به نفع امپریالیسم به تحریـك عمال سیاه و زرنـگ استعمار نوین تعمیم دهند .

این نوع استدلال‌که سکتوردولتی در کشور های کـم رشد آسیائـی وافریقائی، ازآنجمله درکشور مـا، علـت فقـر و بیـکا ر ی و مانـع رشد سریع اقتصاد ملـی مـیگردد، بجـز ، از طـر ف رو شنفـکـران وایدئولوگهای فئودالی و بورژوائی وعمال سیاه وزرنگ استعمار نوین دیگر ازهیچ جناحی تاکنون اظهـار نـگردیده است و نبـا ید اختلاس ورشوه ستانی مـاموران بـزرگ ، سوء اداره اقتصادی، فسادومصارف زائد دستگاه اداری دولت ... وغیره کـه محصو ل سیستم هـای خاص اجتماعی – اقتصادی است،سبب‌نفی سکتور دولتی گردد .

ما بادرك شرایط خاص جامعهٔ‌خود و بـراساس دانش نـوین وتجارب کشور هـای د یـگر معتقد یم کـه سکتور دولتی اقتصاد مساعد ترین ز مینه را بـرای استفاده از اصول پلا نـگذاری اقتصادی و پـرورش زحمتکشان برای ادارهٔ‌امور اقتصادی فراهـم میسازد واز راه همین‌بخش اقتصاد است‌که دربرابر سرمایه‌های بزرگ خارجی میتوان پیروز مندانه مبارزه کرد. توسعه سکتور دولتـی اقتصاد یـکی از موضو عـات عمدهٔ مبارزه طبقاتی است، چه نیرو های مترقی همواره در راه تحکیم‌وتوسعه این بخش مبارزه میکنند، درحالیکه نیروهای ارتجاعی وامپریالیسم‌برای جلوگیری ازرشدوبی اعتبارجلوه‌دادن آن تلاش میکنند .

سکتور دولتی اقتصاد که پـایه اقتصادی دولت دمو کراسی ملی را تشکیل میدهد، درصنورتی تأمین‌شده میتواندکه: تجارت خارجی،مؤسسات انحصاری خـا ر جـی ، مؤسسات وشرکتهای بزرگ اقتصادی داخلی، بانکها وشرکتهای بیمه ملی گردد، رشته های جدید اقتصاد دولتی‌ایجاد ورشد سرمایه‌داری خصوصی‌محدود شود .

لذا ضروریترین ومبرم تـر یـن موضوعی‌که برای‌نیروهای‌وطنپرست دموکـراتیك و تر قیخـواه کشور در شرایط کـنونی مطرح میـگردد، ریشه کن کردن مناسبات اجتما عی واقتصادی فرتوت فئودالی، ازطریق اتخاذ راه ر شد غیر سرمایه داری و تـکامل سکـتور دولتی اقتصاد، که بهرحال‌خصلت ضد امپریالیستی دارد، بجهت منافع توده های عظیم مردم وتحکیم‌روابط اقتصادی‌وتخنیکی وفرهنگی افغانستان باکشور هـای صلـحد و ست و پـیشر و است، تا بدینو سیله قیـود امپریـالیسم وفئودالیسم ازدست وپای نیروهای تولیدی برداشته شود .

جنبش دموکراتیك وملی‌افغانستان یك جنبش ضد امپریالیستی و ضد فئودالی است کـه محتوی کلی آن عبارت است‌از: محو بقایای‌استعمار، ریشه کـن کـردن نـفوذ سیا سی و اقتصادی امپریـالیسم و انهـدام نظامات وبقایای فئودالی و ما قبـل فئودالی ، انجام اصلاحات اسا سی ارضی ، رشد و تـوسعه سر یـع صنایع ملی، دموکراسی کردن‌زندگی اجتماعی وبهبودوارتقای سطح‌زندگی مادی وفرهنگی‌مردم وتعقیب‌سیاست خارجی مستقل وصلحجویانه .

اینها وظایف مبرمی استند کـه برپایه آنها وبرای اجرای آنها،اتحاد جمیع‌نیروهای وطنپرست وترقیخواه کشورما، درجبهه واحد دموکراتیك وملی، که استخوان بندی آنرااتحاد طبقه کارگر ودهقانان تشکیل‌میدهد، امکان پذیر است.

«کاوه»

هغه ځوان چه دوطن‌په دردسوځیږی
که شل ځله په مخ‌لویږی‌پورته‌کیږی
ماتری زرځله قربان او صدقه کړی
چه‌دمرګ‌په‌پوله ناست دی‌لاخوځیږی

از «ص ۲»

راه غیرسرمایه داری ....

نخست در موعـد تـاریخی کـوتاه وفشرده ئی انجام میشود و ثـانیاً بادرد ورنج ذاتی سرمایه داری توأم نیست» .

اینکه میگویند: در وضع موجود سیاسی ، اجتمـا عـی و اقتصادی افغانستان،راه رشدغیرسرمایه داری تعقیب میگردد، ادعائیست بکلی‌میان تهی وبی بنیاد .

ماچنین ادعائی راکه بدون درنظر گرفتن وضع عمومی کشور از لحاظ ساختمان ومحتوی عمده اقتصادی – اجتماعی وماهیت طبقاتی و ارتجاعی طبقه حـاکمه و محافل سیا سی آن باطرحی ساده وعوامفریبانه دربرابر جنبش وخلق‌ارائه‌گردد،جدأردمیکنیم ودرآینده وسیعاً درینموضوع تماس خواهیم گرفت . لیـکن تا جائیکـه به اصول مرامی ومشی ستراتیژیك دموکـراتیك خلق ار تباط میـگیرد، مـا در راه ایجاد شکل حـکو مـت دموکراسی ملی ومحتوی اقتصادی‌آن یعنی راه رشد غیر سرمایـه داری درمرحله کنونی‌جنبش آزادیبخش‌ملی ودموکراتیك ضد امپریالیسم وضد فئو دا لیسم مبـارزه خواهیم کـرد وباتحلیل علمی ودرك درست شرایط اجتماعی کشور و د ر نظر گـرفتن امکانات واوضاع بین‌المللی برمبنای اصول جهـانبینی عـلمی در کشف راه‌های نامنکشف جامعهٔ خوددلیرانه بجهت هدف غائی به پیش خواهیم رفت وعلیه هرگونه نیروهای سیاه ارتجاعی و مصنوعی کـه در برابـر جریان‌پرافتخاروبااعتباردموکراتیك– خلق وطـن محبو ب ما قرار گیرد، درچوکات اصول واخلاق عالی‌مترقی بی‌هراس پیکار خواهیم کرد .

در پـایـان این بحث مقدماتـی پرسشهائی‌را درمیان میگذاریم کـه آیا دردوزان‌کنونی‌جنبش آزادیبخش ملی نفی راه رشد غیر سرمایه داری در کشور هـا ی نو پنیاد آسیائـی و افریقایی بمعنای تائید راه رشد سرمایه داری نیست؟ آیا تائید راه رشد سرمایه داری درین کشور ها دفاع از سرمایه داری جهانی وکمال مطلو ب انحصارات سرمایـه داری وامپریالیسم نیست ؟ ودرنتیجه آیا این کشورهادرصورت تعقیب‌راه‌رشد سرمایه داری پیو سته آمـا جـگاه استثمار نیمه استعماری‌قرارنخواهند گرفت و نقش «دهکده ای درمقیاس جهانی» را ایفـا نخواهد کرد؟ آیـا امپریالیسم و رژیم هـای ارتجاعـی هوا دار امپریالیسم پیوسته بوسیله ایدئو لو گهای فئودالی وبورژوائی، راه رشد غیر سر مـایـه داری را درکشور هـای کـم رشد از طریق تخریب وبدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد درنظر وعمل نمیکوبند؟ آیا کسانیکه راه رشد غیر سرمایه‌داری وسکتور دولتی را ناشیانه و بدون تحلیل علمی میـکوبند ، خود حامل نظرات امپریا لیستی و عمال سیاه وزرنـگ استعمار نـوین نیستند ؟ پاسخ در ست به این سوالها پرده از روی حقایق بر میدارد .

(آمـو)

تذکر :

نسبت تر ا کم مضامین توضیح برخی ازلغات‌واصطلاحات... وستون «لحظه ئی بادوستان» درآینده تقدیم می‌شود .

من از مبارزهٔ طولانی د ر شرایطمتفاوتی آموختم‌که:
هر گز در مسایل اصولی‌گذ شت‌نکنم .
همیشه در چهرهٔ واقعیت بنگرم . بتودهٔ مردم، اعتماد ی استوار داشته باشم .
سعادتی بالا تر از آن نیست که‌سرنوشت شخص ، باسر نو شت خلقش، که رهایی بخش انسانیت‌است، در آمیزد .
سعادتی واقعی تر از آن نیست‌که، شخص‌به نبرد خویش ادامه‌دهد.
غروری بجاتر ازاین نیست که،مشعل فروزان‌معرفت‌نوین را، بدست نسل بالنده بسپریم .
به‌پیروزی‌بهره دهان‌بربهره‌کشان، ایقانی‌تزلزل ناپذیر داشته باشیم.
خورسندی وجدانی، عالی‌تر از آن‌نیست که در جهت تاریخ وتر قی، ورهایی بهره دهان وستمکشان،گام‌بر داریم .

«م.ت»
انتخاب م،ن

خلق ویتنام درراه آزادی ملی

صلح‌وتمامیت ارضی‌خود دلیرانه پیکارمیکنند

ملت قهرمان ویتنام مصمم است به پیکار عادلانهٔ آزادی بخش ملی خود ،بخاطرآزادی کامل‌ملی ،وحدت مجدد و بی طرفی سر زمین خو یش تا سر حد پیروزی‌نهائی ادامه‌دهد، قوای بیگانه را از خاك خود بیرون کند ، سر نوشت آینده خود را خود تعیین نماید وباهمهٔ ملل‌جهان، بدون در نظر داشتن رژیم های اجتماعی شان ، مناسبات دوستانه داشته باشد . ولی دربرابر آن، امپر یالیزم بین المللی می خوا هد در زیر پرده حمایت از حکو مت دست نشانده خو یش در سیگو ن ویتنام جنوبی را به پایگاه نظامی خویش مبدل سازد و شیوه خا ص زندگانی امریکائی را بر مردم آ ن تحمیل نماید وبدینوسیله راه‌پخش نفوذ سیاسی ، اقتصادی ونظا می خود رابسوی تمام‌حوزه جنوب ـ شرق آسیا باز کند واز آن در راه حفظ و تحکیم پایگاه های نظامی خویش در بحرالکاهل وبحر هند استفاده نماید . برای رسید ن به این هدف است که امپریا لستها جنگ ظالمانه ایرا بر مردم ویتنا م تحمیل نموده و دامنه آنرا روز تا روز وسعت میدهند. بقول ستیفن ـ ینگ سناتور امریکایی جنگ ویتنام «بیش از نصف قوای هوائی اضافه از دو بر سه قوای زمینی و نصف قوای بحری امریکا» را به خودجذب نموده است، که اگر نیروی متحدین آنرا برآن بیفزائیم ، بیش از یك ملیون و چند صد هزار عسکرمسلح ومجهز با عصری ترین سلاحها و تجهیزات نظامی وارد میدان جنگ گردیده است . از آنجائیکه امپر یالیزم در برابر جنبش آزادی‌ـ بخش ملی مردم ویتنام وافکار عامهٔ تمام بشریت مترقی و صلح خوا ه (به شمول‌خلق صلحدوست‌امریکا) می جنگد ، هرگز موفق نیست و نخواهد شدکه راه‌وروش خا ص زندگانی خود را بر مردم ویتنام تحمیل نماید . چه ملت ویتنام که درنبردخونین‌وآتش‌مبارزه‌بااستعمار وامپر یالیزم پرورش یافته ، هرگز در برابر تجاوز مغلوب نمی شود و نباید از چنین ملتی انتظار تسلیم‌در برابر قوت را، ولو هر قدر بزرگ باشد ، داشت .

برای امپر یالیزم یگانه راه بیرون شدن از لجن زار جنگ پلید یکه در ویتنام براه انداخته است اینستکه: ـ بمباردمان جمهوری دموکرا تیك ویتنام را قطع نماید .

ـ جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی بحیث نمایندهٔاکثریت‌مردم‌برسمیت شناخته شود .

ـ مذاکرات حل صلح جویانه مسأله ویتنام‌بدون تعلل و بلافاصله شروع گردد .

ـ قوای بیگانه طبق معا هده ۱۹٥٤ ژنیو از سر زمین ویتنام بیرون کشیده شوند .

ـ راه برای وحدت مجدد صلح جویانه و بی طرفی ویتنام هموار گردد .

درغیرآن‌ازیك‌سو ادعای‌آمادگی‌برای مذاکرات صلح«در هر جا وهروقت» واز طرف دیگر امر احضار ده ها هزار عسکر تازه دم و اعزام آنرا به ویتنام صادر کردن ومذاکرا ت صلح را به بهانه های مختلف به تعویق انداختن ، هیچ نتیجه‌ای‌برای امپریالیزم بار نخواهد آورد ، زیرا خلق ویتنام و مردم صلحدوست جهان دیگر باین مانور ها کا ملا آشنائی دارند .

اگر صادقانه در راه تأمین صلح تلاش صورت نگیرد وامپر یا لیزم دست ازتجاوز برنداردواین بارنیزدر پس پرده تبلیغات‌آمادگی برای‌صلح ومذاکره، دامنه‌تعرض وسیعترگردد ملت ویتنام جز ادامه جنگ عادلانه خویش علیه تجاوز ، چاره دیگر ی نخواهد داشت . ومتجاوز جز شکست ورسوائی حاصل دیگر ی بدست نخواهد آورد .

(بهیر)

هرگز نمرد ....

استاده ام، فراز پلی،برکمانه‌ها
گسترده ام نظر،
تا دامن افق ،
آنجاکه آسمان هری تاکرانه ها
گویی بخون نبشته حدیث‌زمانه‌ها
وزعصرهای‌طی‌شده گویدفسانه‌ها

* * *

شامست‌وخامشی،ودل‌ودردهای‌من
بامستی وخروش
باشور بیکران
راه افق گرفته به‌بال صدای من
وزشیون شکستن زنجیر های من
جان میدمد بخاك هریوانوای من

* * *

در رنگهای مغرب زیبای این دیار
خوانم حدیث خون
خونیکه رفته است
در باستان ز مان زرگ مردمان‌پار
تابر کشد باوج فلك کاخ اقتدار
از بهر آرزوی یکی‌مرد نابکار .

* * *

زانسو شب‌سیاه‌چو دیوی‌زخاوران
بروادی خموش
بر بستر هری
یعنی‌برین‌هرات، برین‌شهر باستان
دامن کشد بنفع گروه ستمگران
پنهان کند فجائع‌تاراج بیگ‌وخان

* * *

هربو که باد آورداز دشت‌سوی‌من
از سبزه یازگل
از بته یاز خار
فریاد حسرتیست‌که آید ببوی من
رنج نگفته ای که‌کند جستجوی‌من
آه فرامشیست که خیزد بسوی‌من

* * *

هر قاتلیکه دست بدین‌مرز یافته
آنگه، بکام خویش
در ظلمت هوس
سوزیده عالمی ویکی شهر ساخته
اوکام ناگرفته، بروخصم تاخته
سر ها بباد رفته وکاشانه باخته

* * *

هر فاتحیکه‌آمده،گویی‌که طفل‌خام
در لحظهٔ فراغ ،
در راه کاروان،
بگذاشته زریگ بیابان بنای بام
باد زمانه آمده برکنده اش تمام
نی‌نقش‌خانه‌مانده‌بجای‌ونه‌نقش‌گام

* * *

لیکن هنوز مردمك شهرهاهرات
استاده جابجا
آرام واستوار
یعنی نگشته محو زغارتگر زمان
از جانرفته از ستم‌وقهرفاتحان
دارد هنوز مردم آگاه وقهرمان

* * *

شمشیرجابران‌نتوان‌کشت‌روح‌خلق
بر وادی هری
تاریخ شا هد است
آمد هزار موج ونجنبید کوه خلق
هرگزنمرد زیرستمها گروه خلق
پاینده باد زندگی پر شکوه‌خلق.
«سلیمان لایق»

کاراجباری

خبر نگار پر چم از ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ اطلاع میدهد که مامورین آن ولسوالی خلا ف ماده سی‌وهفتم قانون اساسی، یکهزارو چهارصد وسیزده نفر ا ز دهقانان زحمتکش واهالی تهید ست چهل وهشت قریه خرد و بزر گ رادرآغاز سال‌جاری، بدون پرداخت دستمزد،طی چندین‌روز پیهم،مجبور به بیگار نموده وبالای د هقا نا ن ستمکش آن گوشه کشور، روزانه نه ساعت کار شاقه را تحمیل کر د ه اند .

کارکنان پرچم این روش مامورین حکومت را یك عمل ضد قانون تلقی کرده، معتقد اندتا زحمتکشان کلیه اقوام کشور درراه تعمیم و تعمیق دموکراسی وتطبیق ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی مبارزه نه نمایند . هر گز از قید متنفذین محلی‌ومحافل‌حاکمه وازرنج‌بیگاروکار های شاقه رهایی نخوا هند یا فت .

اعتصاب شاگردان

شا گردان تخنیك عالی درجریان‌دوهفته اخیر بغرض دفاع پاره‌ئی از مطالبات صنفی خود پنج روز پیهم‌اعتصاب کردند و ضمن تظاهرات آرام ومنظمی بولسی جرگه رفته‌شکایات خودرا بمقا مات مسؤول سپر دند .

پرچم انتظار دارد تادر مور دمطالبات صنفی شاگردان تخنیك‌عالی برخورد جدی صورت گیرد وتسهیلات لازم بخاطر ارتقای سطح تحصیلات تخصصی فرزندان کشور فراهم گردد .

پرچم

به دو زبان پښتو ودری فعلابروزهای پنجشنبه نشر می شود

سال تاسیس : حوت ۱۳٤٦

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان «لا یق»

آدرس : غوثی مارکیت
محمد جانخان واټ
کابل‌ـ افغانستان

نمبر حساب جاری جریده: ۳۸٥۳ پښتنی تجار تی بانك.

ا شتراك

مر کز: سا لانه ۱۰۰ ـافغانی
ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰ـ افغانی
خارج کشور : سا لانه ۱۰دالر
قیمت یك شماره: ۲ـا فغانی

دولتی مطبعه